



مسکن

شماره ۱۵

۳ خرداد ماه ۱۴۰۵

این شماره تقدیم می شود به:

شهید

ماکان نصیری

تنها شهید جاوید الاثر
مدرسه شجره طیبه





دشمنان ما جز زبان زور و قلدری هیچ چیز دیگر را درک نمیکنند و نمیفهمند...

امام شهید
۱۳۶۸/۳/۲۳



نشریه سیاسی - فرهنگی - اجتماعی مه شکن

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

شماره پانزدهم - ۱ خرداد ماه ۱۴۰۵

مدیرمسئول: سید علی گرامی فرد

سردبیر: محمد جواد بسطامی فرد

گروه تحریریه: اسماعیل باقریان / اسرافظریور / حمیده پیوندی مطلق / حدیث بخشش / سامان جهان بین
سید علی گرامی فرد / مبینا کریمی

صفحه آرا: امیررضا رستگار - محمد جواد بسطامی فرد

فهرست مطالب

۱ سخن سردبیر

۲ آمریکا و اسرائیل؛ یک روح در دو جسم

۳ مذاکره چیست و برای چه چیزهایی مذاکره می کنند؟

۵ آثار جنگ رمضان بر اقتصاد ایران و جهان

۶ میدان داری مردم، نماد بارز تاب آوری ایرانیان

۸ امیرکبیر انقلاب اسلامی

۹ برجام

۱۴ شخصیت رهبر شهید انقلاب



حضرت ابوالفضل
عزیز بن علی

تقدیم به روح ملکوتی:
شهادت سید علی بابا

سخن سردبیر

به نام خالق زیبای لبخند
در این هنگام که دارید این متن را مطالعه می کنید، فصل مهمی در تاریخ سرزمین مان در حال رقم خوردن است؛ فصلی که در آینده به آن افتخار می کنیم. از این که در مقابل ابر قدرت های دنیا ایستادیم و جانانه جنگیدیم و ذره ای خاک به دشمن ندادیم.

البته اتفاقات سختی را پشت سر گذاشتیم. بزرگمردانی را از دست دادیم که در دنیا بی همتا بودند. اما، ما ادامه داریم؛ با قدرت و به جلو حرکت می کنیم و ایرانی خواهیم ساخت که آیندگان به آن افتخار خواهند کرد.

در این یک سال اخیر، هرچه زخم زدند، همه جوانه شد. حالا درخت تنومند جمهوری اسلامی ایران طوفان های مهیبی را پشت سر گذاشته است. دیگر به ضرب تبر از بین نمی رود. در طوفان حوادث ایستاده است. غم شاخه های زیادی را به تن دارد، اما...

فصلی نو،

رویشی نو،

آغازی نو

و داستانی نو در پیش است...

محمد جواد بسطامی فرد

۱ خرداد ماه ۱۴۰۵



آمریکا و اسرائیل؛ یک روح در دو جسم

جنگ رمضان باورها را تغییر داد؛ اعلام میزان خساراتی که در این جنگ وارد شد، نشان داد که سیاست دفاع منطقه ای ایران سیاستی بسیار کم هزینه برای دور نگه داشتن سایه جنگ از کشور به مدت طولانی بود. حالا بهتر معلوم می شود که چرا آن شعارها ذهن مردم ما را هدف گرفته بود. در نبرد رسانه ای جنگ رمضان همان حربه ای را که آنها به ما زده بودند، علیه خودشان به کار گرفتیم؛ با این تفاوت که محور مقاومت با توجه به سابقه و خوی تجاوزکارانه اسرائیل (تصرف فلسطین، بیروت و ...) و آمریکا (حمله به افغانستان، عراق) با هدف دفاع پیشگیرانه از ملت و امت در مقابل زورگویان تشکیل شد و گسترش یافت. اینگونه بود که وزارت خارجه، دکتر قالیباف و سایرین با توییت های انگلیسی و هشتک های «اول منافع اسرائیل مهم است.» سعی داشتند به مردم غرب بفهمانند که این جنگی که موجب ضررشان شده به سبب سیاست حمایت آمریکا از اسرائیل است. سیاستی که با تکرار آن توسط مجریان معروفی چون تاکر کارلسون و کاربران خارجی توییت نشان داد، خوب نتیجه داده است. البته باید دقت داشته باشیم که اظهارات مسئولان کشور ما به زبان انگلیسی با نشان دادن اسرائیل به عنوان مجرم، نشان دهنده این نیست که آمریکا از این جنگ مبرا شده یا آمریکا و اسرائیل از هم جدا هستند بلکه شروع یک جنگ رسانه ای علیه اسرائیل در غرب است.

👉 سامان جهان بین - پزشکی ۱۴۰۰



در بخش اول به رابطه آمریکا و اسرائیل می پردازیم و در بخش دوم سیاست رسانه ای مسئولان کشور در جنگ رمضان را بررسی می کنیم. قبل از جنگ ۱۲ روزه، سیاستمداران و برخی تحلیلگران همواره در اظهارات خود به تفکیک اسرائیل و آمریکا می پرداختند و مدعی بودند که اسرائیل همواره در تلاش برای برهم زدن مذاکره و توافق ایران با آمریکا می باشد. شاید در نگاه ظاهری این گونه بنظر می رسید ولی از این نکته غافل بودند که اسرائیل حیاتش وابسته به آمریکاست و بدون اجازه آنها اقدامی که ریسک فراوان داشته باشد، انجام نمی دهد. در واقع آمریکا از اسرائیل برای پیشبرد اهداف غیرقانونی خود در منطقه استفاده می کند. به قول صدراعظم آلمان: «اسرائیل کارهای کثیف ما را انجام می دهد.»

یعنی اینکه کارهایی که نباید به اسم ما باشد، به اسم او انجام می دهیم و با گرفتن ژست طلبکارانه او را در ظاهر از خود جدا می کنیم. شاید این کارها تا دهه پیش جوابگو بود ولی بعد از جنگ ۷ اکتبر و رد مکرر قطعنامه های آتش بس غزه توسط آمریکا، رفته رفته این حقیقت را برای مردم آشکار کرد که این دو جدایی ناپذیرند. آن چیزی که این حقیقت را برای مردم آشکار کرد و به بیداری مردم جهان در مسئله فلسطین منجر شد، رسانه و فضای مجازی بود.

اگر یادتان باشد از اواخر دهه ۸۰ زمزمه هایی شنیده می شد که سرمایه کشور ما صرف سوریه و لبنان می شود و این صحبت ها به مرور فراگیر شد؛ به گونه ای که در اعتراضات ده سال اخیر برخی از شعارهای مردم به همین موضوع برمی گشت. اما این حرف از کجا آمد؟ این حرف از بلندگوی رسانه ای آمریکایی-اسرائیلی یعنی BBC شروع شد و به مرور به باور مردم کشورمان تبدیل شد. آن زمان پذیرش اینکه، هزینه ای که ما در منطقه برای جلوگیری از جنگ می کنیم، از جنگ خیلی کمتر است، برای مردم سخت بود اما



مذاکره چیست و برای چه چیزهایی مذاکره می‌کنند؟

مذاکره از نظر ریشه و معنا با کلمه «ذکر» یا «یادآوری» اشتراک دارد. مذاکره در اصطلاح، به معنای به یاد آوردن و ابراز یک یا چند نوع از حقوق سه‌گانه (اعم از حق‌الله، حق‌الناس یا حق‌النفس) است که با طرفین یا طرف‌های مقابل شکل می‌گیرد؛ طرف‌هایی که یا مانع آن حق یا حقوق هستند یا صاحب آن حق یا حقوق.

برای روشن شدن مراد از «طرفین»، ماجرای قرآنی حضرت موسی(ع) و فرعون را بررسی می‌کنیم. خدای متعال به پیامبر خود، موسی(ع)، فرمود که به سوی فرعون برو و به‌عنوان پیامبر و نماینده الهی با او مذاکره کند و او را به راه خدا بازگرداند؛ چراکه او طغیان کرده بود. بنابراین، یک طرف مذاکره فرعون و طرف دوم موسی(ع)، نماینده خالق جهان است که حق بندگی و عبودیت را به او یادآوری کند، تا شاید از ظلم و طغیان بپرهیزد و به راه خدا بازگردد.

اما فرعون نه‌تنها این دعوت را نپذیرفت، بلکه برای خود دلایل و حجت‌های خیالی تراشید و برای آنکه در برابر معجزات ید بیضا و اثردهای حضرت موسی(ع) سر فرود نیاورد، با استفاده از رسانه و تحریک افکار عمومی، موسی(ع) را ساحر خواند. از این رو، برای این مذاکرات نمی‌توان نتیجه‌ای روشن برشمرد، مگر آنکه عده‌ای اندک از مردم و صاحبان خرد و عقل، با تفکر، حقانیت دین موسی(ع) را درک کردند؛ هرچند بسیاری نیز آن را کتمان نمودند.

در کلیه نظام‌های سیاسی و حاکمیتی، یا حاکم مقبول عامه مردم است، یا مستبدانه و با قدرت سلاح، منصب حکومت را به دست آورده است. به هر حال، یک وظیفه تغییرناپذیر برای هر نوع حاکمی وجود دارد و آن، دفاع از کیان، تمامیت، استقلال و موجودیت سرزمین تحت حکومت اوست؛ چه با شمشیر و اجبار، و چه با مسالمت و تدبیر مصلحانه. پس این یک اصل ثابت و تغییرناپذیر است و هر حاکمی که چنین برنامه‌ای نداشته باشد، اساساً حاکم نیست، بلکه خائن است و نمی‌توان برای حکومت او اعتبار و اعتماد عمومی و حتی بین‌المللی یافت. پس او وظیفه دارد که از حقوق مردم و سرزمین خود در برابر بیگانگان دفاع و حمایت قاطع کند و، به اصطلاح، ارباب رعیت خود باشد.

حال اگر کشوری یا حاکمیتی قصد استیلا و سلطه‌جویی بر سرزمین آن حاکم را داشته باشد، دو راه وجود دارد: راه نخست، مذاکره و ارسال نماینده، دریافت نظرات و اعلام حقوق و مطالبات به طرف مقابل است تا او را از تجاوز و تعدی به حقوق آن ملت بازدارد؛ و راه دوم، مقابله و جنگ است.

کشور ایران از دهه سی شمسی، زمانی که در نظام اقتصادی خود معضل خلأ قدرت مالی نفت را احساس کرد و به دنبال ملی شدن صنعت نفت رفت، مورد غضب نظام سلطه در جهان قرار گرفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت قانونی مصدق به وسیله آمریکایی‌ها (البته با استفاده از شبکه نفوذ داخلی)، ایران به کانون توجه قدرت‌های سلطه‌گر بدل شد و صاحبان قدرت در پی تجزیه این کشور پهناور به نفع منافع خود بودند. بنا به اقرار بسیاری از صاحب‌منصبان پهلوی، از جمله تیمسار خسروشاهی، قرار بر این بود که ایران را به پنج بخش تقسیم کنند و تنها بخش مرکزی آن با نام ایران باقی بماند؛ آن هم ضعیف و ناتوان.

با پیروزی انقلاب اسلامی، تمامی برنامه‌های نظام سلطه برهم ریخت. برنامه‌ریزی آنان در ابتدا بر آن بود که این انقلاب را به نظامی درون‌گرا و غیرپویا تبدیل کنند. برای تحقق این هدف، با تدابیر گوناگون، از اندیشکده‌ها تا منابع نظامی، همه را به کار گرفتند و جنگ داخلی، کودتا، جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق، تحریم، و تحریک لایه‌های شکننده فرهنگی و اجتماعی را فعال کردند؛ اما با مدیریت صحیح، این اقدامات به نتیجه مطلوب آنان نرسید. از این رو، به مرحله نهایی رسیدند؛ مرحله‌ای که در آن، موجودیت خود را در



نابودی جمهوری اسلامی ایران و حتی فراتر از آن، در نابودی تمدن ایران جستوجو کردند؛ زیرا الهام بخشی این نظام برای همه افراد تحت ظلم و جور نظام سلطه، هستی و موجودیت آنان را به خطر می اندازد. ولذا یکی از ابزارهایی که در کنار ارباب و ترساندن حکومتها از آن استفاده کرده اند، واژه «مذاکرات» است؛ در حالی که در واقع، مذاکره برای آنان ابزاری برای کاهش هزینه استیلا و تسلط بر آن کشور بوده است. از جمله این کشورها، لیبی است که با ارباب، آن را به پای میز مذاکره کشاندند و پس از تهدید، تمام تسلیحات هسته‌ای، غیرهسته‌ای و موشکی آن را نابود کردند و سپس با حرکتی ساده، آن حکومت و کشور را به چنگ آوردند؛ تا آنجا که اکنون همان انقلابی‌های ضد قذافی می‌گویند: «ای کاش قذافی بود، اما این وضعیت نبود.»

آری، نظام سلطه، و در رأس آن آمریکا، در پی باج‌گیری است و کشور قوی باج نمی‌دهد؛ از این رو، آنان در پی تضعیف، تجزیه و تحلیل بردن قدرت بزرگ مقابل خود هستند. و اگر ذره‌ای عقب‌نشینی شود، او یک گام جلوتر می‌آید.

👉 **مبینا کرمی - پزشکی ۱۴۰۴**

اگر گرگ به گله ما حمله کند می‌توانیم او را از بین ببریم؟
ابتدا باید مطمئن شوید که کار گرگ بوده یا نه؛ شاید گوسفندان خودکشی کرده باشند. سپس باید بفهمید آیا گرگ نیت آسیب داشته یا قصد بازی داشته. بعد از بررسی همه جوانب، اگر گرگ توبه کند، بهتر است او را ببخشید.

اکران گله‌ای فیلم سینمایی **ابدویک گوساله** هم‌اکنون در سینماهای سراسر بنی اسرائیل

مدیر مسئول: **جناب ابلیس**
روایت ابلیس
ویژه‌نامه روایت ابلیس | یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ | شماره ششم

دنیای فردا دنیای چیست؟

دنیای گفتمان؛ نه دنیای ازدها!

اعتراض قارون به افزایش قیمت دینار:
ما طبقه مستضعف زیر بار گرانی له شدیم!

تجمع پیشکسوتان انقلابی مخالف موسی:
دیروز جنگ با فرعون امروز جنگ در ارض مقدس؟
تا کی باید بجنگیم؟ پس کی قرار است یک زندگی معمولی داشته باشیم؟

هزینه مقاومت:
۱. از بین رفتن هزاران ماری گناه
۲. از بین رفتن فرصت‌های شغلی مثل بردگی برای فرعون
۳. کاهش هیجان زندگی (مثل فرار از دست سربازان فرعون)

یک وجب خاک

ملقب به وطن به فروش می‌رسد.
سند شش دانگ زنگوله‌دار

یکی از هواداران موسی گفت: فرعون قصد حمله به موسی ندارد!

مارهای فرعون تزئینی است و جنگی نیست!

فرعون با یک دکمه می‌تواند ازدهای موسی را نابود کند!

محاصره دریایی فرعون، باعث محدودیت‌های غذایی شده است؟
تا کی قرار است فقط «من و سلوی» بخوریم؟

ما با کسی سر جنگ نداریم!
موسی و خدایش به جنگ بروند!

یک استاد ادبیات سازش طلب مطرح کرد:
ضرب المثل «ترحم بر پلنگ تیزدندان، ستمکاری بود بر گوسپندان» باید از کتب درسی حذف شود.

manoto
ترانه اعتراضی «برای» در مخالفت با سیاست‌های جنگ طلبانه موسی:
برای ازدهاهایی که پوسیدن

سامری:
اسلام دین تسلیم است. پس باید تسلیم فرعون شویم!

حمله وحشیانه یک قلاده گرگ به گله گوسفندها، با وجود توافق صلح بین گرگ‌ها و گوسفندها، به شدت محکوم می‌شود.

آقای سامری عرفات! به نظر شما هزینه سازش از مقاومت بیشتر نیست؟
خیر، من هم سابقه جنگ با فرعون دارم. هم تجربه سازش، باید عرض کنم که در ماجرای سازش، نه تنها هزینه‌ای پرداخت نکردم، بلکه هزینه خوبی نیز دریافت کردم.

یعنی شما تأیید می‌کنید که از مخالفان رشوه گرفته‌اید؟
خیر، زاویه نگاه‌تان را عوض کنید. من سرمایه‌های دشمنان را از آن‌ها گرفتم و از خارجی وارد سرزمین کردم. وارد سرزمین یا جیب خودتان؟
جیب من و مردم ندارد. همه دور هم هستیم و یک لقمه نان و رشوه دور هم می‌خوریم.

پیام‌تان برای جناب موسی چیست؟
موسی باید روزهایی را به باد بیورد که من دوشادوش او برای انقلاب علیه فرعون و طاغوت می‌جنگدم. من حتی از موسی هم انقلابی‌ترم و آن انقلابی در زندگی خودم ایجاد کرده‌ام.

سامری عرفات کارشناس مسائل «ایده برده»
من از موسی انقلابی‌ترم!

سامری:
اسلام دین تسلیم است. پس باید تسلیم فرعون شویم!



آثار جنگ رمضان بر اقتصاد ایران و جهان

جنگ، صرف‌نظر از شکل و زمان وقوع آن، یکی از ویرانگرترین پدیده‌ها برای اقتصاد هر کشور به‌شمار می‌رود. اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و تاکنون آثار مستقیم و غیرمستقیم بسیاری را تجربه کرده است. این آثار تنها به تخریب زیرساخت‌ها محدود نشده، بلکه بازار کار، تولید، سرمایه‌گذاری، بودجه دولت و حتی رفاه خانوارها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ در کشور، کاهش تولید و اختلال در زنجیره اقتصادی بوده است؛ امری که آسیب مستقیمی به زیرساخت‌ها و محیط کسب‌وکار وارد کرده است. بسیاری از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی با وقفه مواجه گشته‌اند و کارخانه‌ها با کمبود مواد اولیه و کاهش نیروی انسانی روبه‌رو شده‌اند. همچنین، اختلال در حمل‌ونقل و ارتباطات، مسیر تأمین کالا و مواد اولیه را دشوار کرده و زنجیره‌های توزیع را مختل ساخته است.

نتیجه این وضعیت، کاهش ظرفیت تولید و افزایش هزینه تمام‌شده کالاها بوده است. افزایش هزینه‌های تولید، به‌طور طبیعی، به افزایش قیمت‌ها در بازار منجر شده و فشار تورمی را بر اقتصاد تشدید کرده است. با این حال، این فشار تورمی تنها مختص کشور عزیزمان نبوده است. این جنگ موجب افزایش شدید قیمت جهانی سوخت و کود شده، کارخانه‌های نساجی در هند و بنگلادش را به تعطیلی کشانده، هواپیماها را در ایرلند، لهستان و آلمان زمین‌گیر کرده و در ویتنام، کره جنوبی و تایلند به سهمیه‌بندی انرژی انجامیده است.

همچنین، این احتمال وجود دارد که این بحران در ماه‌های آینده اثر خود را بر قیمت مواد غذایی نیز نشان دهد. دامنه این آسیب‌ها به کشورهای ثروتمند خلیج فارس نیز رسیده است. امارات متحده عربی، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان که مجموع دارایی صندوق‌های ثروت حاکمیتی آن از دو تریلیون دلار فراتر می‌رود، پس از آسیب دیدن میادین گازی بر اثر حملات موشکی و توقف کشتیرانی در تنگه هرمز، از ایالات متحده درخواست کمک مالی کرده است.

در این میان، با وجود بحرانی که گریبان‌گیر بازارهای جهانی شده است، آمریکا نیز که خود آغازگر این رویارویی با ایران بوده، از پیامدهای آن مصون نمانده است؛ به‌طوری‌که این جنگ سبب شده اقتصاد آمریکا به دلیل افزایش نرخ بهره، ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت ببیند. در مجموع، انتظار می‌رود با تداوم جنگ، تورم حاکم بر بازار جهانی روزبه‌روز بیشتر آشکار شود و آسیب‌های جدی‌تری به صنایع مختلف در کشورهای جهان وارد آورد.

اسرا ظفرپور - پزشکی ۱۴۰۳





میدان داری مردم، نماد بارز تاب آوری ایرانیان



بر اساس قانون اساسی هر کشوری، ارتش و نیروهای مسلح آن کشور موظفاند در شرایط جنگی از تمامیت ارضی و حریم هوایی آن دفاع کنند. به تبع، در ایران نیز این وظیفه بر عهده نیروهای مسلح است و شاهد فداکاری‌های فراوانی از سوی ارتش و سپاه در دوران هشت سال دفاع مقدس، جنگ دوازده‌روزه و جنگ اخیر، یعنی جنگ رمضان، بوده ایم. در این میان، شاید چنین تلقی شود که نقش ملت صرفاً حفظ آرامش و مدیریت بحران تا عبور از دوران جنگ است؛ اما جامعه‌شناسی رفتار و عملکرد مردم ایران، نتیجه ای فراتر از این را نشان می‌دهد. با نگاهی کوتاه به چگونگی حضور ایران در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و از همه مهم‌تر نظامی در جنگ اخیر، متوجه می‌شویم که مردم نقش پررنگ‌تری از آنچه تصور می‌شد در هر یک از عرصه‌های یادشده داشته‌اند؛ به گونه‌ای که حتی خردسال‌ترین ساکنان این مرز و بوم نیز در رنگ و متن نوشته‌های موشک‌های ارسالی به سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های آمریکایی دخالت مستقیم داشته‌اند. همچنین، زمانی که مطابق اقتضات زمان، مسئله آتش‌بس مطرح شد و بنای مذاکرات طرفین، یعنی ایران و آمریکا، در کشور پاکستان گذاشته شد، نقش مردم ایران در جهت‌دهی به مذاکره غیرقابل چشم‌پوشی بود. از حمایت‌های همه‌جانبه مردم برای حضور در میداين جنگ در صورت حمله نظامی گرفته تا پافشاری بر حفظ منافع ملی و صیانت از حق برخورداری از غنی‌سازی هسته‌ای که آشکارا در میدان‌های شهرها از هیئت مذاکره‌کننده مطالبه می‌شد. این احقاق، همان جمله رهبر انقلاب را تداعی می‌کرد که فرمودند: «مسئله فریادهای شما در میدان‌ها در نتیجه مذاکرات مؤثر است»؛ همچنان‌که عدد شگفت‌آور و رو به افزایش میلیونی پویش «جان‌فدا برای

ایران» نیز از عناصر تأثیرگذار در این عرصه است. تجربه اتفاقات تاریخ معاصر، به‌ویژه در دوره حکومت قاجار و پهلوی، به‌طور خاص بر بینش سیاسی مردم ایران تأثیر گذاشته و این تفکر را که هزینه مقاومت بسیار کمتر از سازش است، در ذهن هر ایرانی تداعی می‌کند. این بینش، با عبرت‌گیری از سرنوشت کشورهای چوَن سوریه، عراق و ونزوئلا، مستحکم‌تر می‌شود. برخلاف مردم این کشورها که اجازه دادند تاریخ کشورشان با دخالت بیگانه رقم بخورد، مردم ایران خود تاریخ‌ساز و جریان‌ساز شدند. جریانی که از همان شب اول جنگ، مصادف با شام شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب، به صورت راهپیمایی‌های شبانه در خیابان‌ها آغاز شد و پس از گذشت هفتاد شب هنوز ادامه دارد. نکته درخور توجه اینجاست که آغاز این جریان‌سازی، بدون برنامه‌ریزی قبلی و بدون وابستگی به هرگونه نهاد دولتی یا حکومتی صورت گرفت؛ حرکتی خودجوش که برآمده از حس وطن‌دوستی و سوگ ناشی از داغ‌های بر دل‌نشسته بود. خالی از لطف نیست که جنبه‌های مختلف این حرکت و حضور را مورد



بررسی قرار دهیم.

مردم ایران در شرایطی به میدان‌داری خود ادامه دادند که:

- شهادت عالی‌ترین مقام سیاسی - معنوی کشور، داغی سنگین بر قلب‌ها نهاده و استیصالی شدید نسبت به سرنوشت کشور در نبود رهبر، در اذهان باقی گذاشته بود.
- نبود سازمان‌دهی اولیه، کار را برای اجرای برنامه‌های شبانه دشوار می‌کرد.
- انرژی و زمان فراوانی برای برگزاری راهپیمایی‌ها و موكب‌داری صرف می‌شد و در اوایل جنگ، روزه‌داری نیز بر همه این عوامل افزوده می‌شد.
- تغییرات مختلف آب‌وهوایی که در هر نقطه از ایران نمود متفاوتی، اعم از رگبار باران، سیل، برف و تگرگ داشت، تأثیر بسزایی بر اجرای برنامه‌ها می‌گذاشت.
- مهم‌تر از همه این‌ها، مورد حمله قرار گرفتن بخش‌های مختلف نظامی و غیرنظامی کشور بود که در مرحله اول باعث تشویش اذهان عمومی و در مراحل عمیق‌تر، موجب وارد آمدن خسارت‌ها و آسیب‌های جانی و مالی فراوان به جمع زیادی از ایرانیان شده بود.
- وجود نوسانات و فشارهای بی‌سابقه اقتصادی که در یک سال گذشته در اثر جنگ دوازده‌روزه، فعال شدن مکانیسم ماشه، کودتای دی‌ماه و در این اواخر محاصره دریایی، چندین برابر نیز شده است.
- نبود تضمین امنیت جانی هنگام شرکت در تجمعات، به تبع شرایط جنگی و موشک‌باران دشمن؛ که نقطه اوج آن، راهپیمایی روز قدس و شهادت یک بانوی ایرانی در خیابان انقلاب تهران بر اثر اصابت ترکش بود.
- ادامه این حرکت انقلابی، با وجود تمام شرایط یادشده، حیرت جهانیان را در پی داشت؛ به گونه‌ای که نام ایران به‌عنوان نماد استقامت و نام ایرانی همراه با واژه شهامت در جهان مطرح می‌شد.
- جان مرشایمر، استاد دانشگاه شیکاگو، می‌گوید: «ایران کشوری شدیداً ملی‌گرا و سرسخت است و در برابر تهدید وجودی، تاب‌آوری بالایی دارد.»
- این تاب‌آوری چنان زبان‌زد شده که حتی رسانه‌های مخالف نیز، که انتظار فروپاشی یک یا دو شبه‌جمهوری اسلامی ایران را می‌کشیدند، لب به اعتراف گشوده و از ناکامی خود در تغییر سرنوشت ایران سخن می‌گویند: «جمهوری اسلامی به هیچ‌وجه در شرف سقوط نیست و این همان مضمون‌های است که آقای ترامپ خود را در آن می‌یابد و می‌بینیم که موضع ایران شاید از گذشته هم سخت‌تر شده است.»
- در نتیجه، می‌توان بیان داشت که دشمن دچار خطای شناختی فاحشی درباره مردم ایران شده و همین عامل باعث برهم خوردن محاسبات او و ناکامی‌اش در رسیدن به اهدافش شده است. مهم‌ترین عامل آن نیز تاب‌آوری بی‌مثال ایرانیان بوده است؛ به طوری که میانگین شاخص ۸۷/۲ درصدی را در جنگ رمضان به خود اختصاص داده است.
- البته پیامدهای استمرار این میدان‌داری‌ها محدود به این یک مورد نشده و به‌اختصار می‌توان به چند مورد دیگر نیز اشاره کرد:
- افزایش همبستگی اجتماعی؛ همان‌گونه که رهبر انقلاب اشاره کردند: «در حال حاضر، در اثر وحدت عجیبی که بین شما هم‌وطنان، با همه تفاوت‌های خاستگاه‌های مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی، ایجاد شده، در دشمن شکستگی به وجود آمده است.»
- بازتاب مفهوم تسلیم‌ناپذیری ملت ایران در برابر زیاده‌خواهی زورگویان جهان
- دخالت مستقیم خود مردم در تعیین سرنوشت کشور
- زنده شدن مفاهیم اصیل اسلامی - شیعی همچون شهادت، تاسی به واقعه عاشورا و ظهور حضرت مهدی (عج)
- نقش بر آب شدن نقشه‌های رئیس‌جمهور آمریکا، اسرائیل و اپوزیسیون‌های سلطنت‌طلب برای سرنوشت نظام مقدس جمهوری اسلامی و درگیر کردن کشور در جنگ داخلی در کنار جنگ خارجی
- بلوغ سیاسی مسئولان و جامعه ایرانی مبنی بر بی‌اعتمادی به سیاستمداران آمریکایی که به‌وضوح در جریان مذاکرات پاکستان مشهود بود.



امیرکبیر انقلاب اسلامی ایران



گاه تاریخ، مردانی را در دامان خود می‌پروراند که نه از جنس قدرت بلکه تشنه خدمت اند. مردانی که نامشان با واژه‌هایی چون «صداقت»، «ساده زیستی» و «از خودگذشتگی» گره می‌خورد. شهید جمهور آیت‌الله رئیسی یکی از همان مردان نادر روزگار بود؛ امیرکبیر انقلاب اسلامی، از تبار قلم‌های شکسته و دل‌های سوخته بود؛ از جنس مردان خدا که در محراب خدمت؛ سجده‌ای جز عشق به خلق نمی‌شناخت. نامش با «خادم ملت» گره خورده بود، بیش از آن که بر صندلی ریاست جمهوری بنشیند؛ در کوچه‌های تاریک محرومیت، در میان خنده و گریه یتیمان و نگاه منتظر مظلومان سرزمینش. از دیار خراسان برخاست. در جوار هشتمین امام خورشید و مصداق واقعی «خادم‌الرضا» شد. همان که حتی امکانات در اختیار تولیت آستان را که حلال شرعی و قانونی بود، را برای آسایش و راحتی زائرین و مجاورین علی ابن موسی (ع) قرار داد. قضاوت را از عدالت آموخت و عدالت را از ستمی که بر محرومان می‌رفت. در قوه قضایه سنگ بنای کاری را گذاشت جز آن که برای تسکین دردی بوده باشد. مبارزه با فساد را نه شعار بلکه مرام خود ساخت و از هر وابستگی جز ولایتمداری برید و تنها به قانون و وجدانش تکیه کرد.

و عزمی
بر عزمی
خستگی‌ناپذیر

از آن مردانی بود که زندگی را نه در نفس کشیدند بلکه در نفس‌های پاک برای مردم ایران خلاصه کرده بود. از دل بحران‌های کم نظیر هم چون فوت روزانه هفتصد نفر به علت کرونا در روزهای آغازین دولت تا حوادث آبان ۱۴۰۱ و جنگ با اسرائیل، علی‌رغم همه

زخم‌زبان‌ها و بی‌مهری‌ها سربلند بیرون آمد. در سیاست خارجه و رابطه با همسایگان تمام تلاشش حفظ عزت ایران و ایرانی بود. در اقتصاد نیز چنان گام‌هایی را در سکوت و به دور از حاشیه برداشته بود که به فرموده رهبر شهید اگر دولت‌ش ادامه پیدا می‌کرد، این اقتصاد بیمار سریع‌تر بهبود می‌یافت. او عاشقانه به ایران خدمت کرد؛ نه از سر وظیفه، بلکه از سر عشقی که در رگ‌هایش جاری بود. ای کاش ممکن بود از شاخه‌هایی که بر زمین افتاده‌اند قلمی تراشید و برایش نوشت: «ای مهربان‌ترین خادم! رفتنت هم درس بود؛ اینکه برای یک ملت زیستن را نه در تعلق به قدرت که در گره‌گشایی از خلق می‌دانستی.» شهادت پاداش آنانی است که تمام هستی خود را در طبق اخلاص گذاشتند و صادقانه عاشق مردم بودند. ای امیرکبیر انقلاب اسلامی! تو رفتی تا هیچ وقت نگویند خدمت در این سرزمین بی‌پاداش است. تو رفتی تا ثابت کنی پرچم «ما می‌توانیم» بر قله امید به اهتزاز درمی‌آید. سلام بر تو در آن افق بلندی که در آن پرواز کردی و سلام بر راهت که تا قیامت روشن خواهند ماند.

سید علی گرامی فرد - پزشکی ۱۴۰۰



برجام



یادش بخیر؛ یه رفیق داشتم تو مدرسه تیزهوشان؛ کلاس دوم راهنمایی کل زبان انگلیسی رو فول بود؛ برام تعریف می‌کرد میگفت شش‌سالگی شروع به یادگیری زبان کردم و دوم راهنمایی تمومش کردم، فقط یکم دیگش مونده. اینا چیه درموردش صحبت میکنم؛ بیخیال بریم رو بحث خودمون یعنی برگام، ببخشید نه "برجام".

روزی که حسن آقا، یعنی حسن روحانی یا حسن فریدون، با وعده رفع مشکلات در ۱۰۰ روز سر کار آمد، به‌مرور چین و روسیه را کنار زد و شروع کرد به تنظیم برنامه‌ای به نام «برنامه جامع اقدام مشترک» (JCPOA) یا برگام.

حسن روحانی با ادعای اینکه زبان دنیا را بلد است، آمد و با دکتر ظریف برنامه تور اروپا و غرب، یعنی ۵+۱، را چیدند تا بروند و با غرب مذاکره کنند و برگام را پیش ببرند.

➔ «مفاد و تعهدات اصلی ایران در برگام»

بخش هسته‌ای:

۱. کاهش سانتریفیوژها: تعداد سانتریفیوژهای فعال ایران از حدود ۱۹,۰۰۰ به ۵,۰۶۰ عدد در نطنز محدود شد. در فردو نیز فعالیت غنی‌سازی متوقف شد و فقط فعالیت تحقیقاتی مجاز بود.
۲. سطح غنی‌سازی اورانیوم: حداکثر ۳/۶۷ درصد؛ یعنی برای سوخت راکتور، نه سلاح هسته‌ای.
۳. ذخایر اورانیوم غنی‌شده: از حدود ۱۱,۰۰۰ کیلوگرم به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش یافت.
۴. بازطراحی راکتور آب‌سنگین اراک: به‌گونه‌ای تغییر یافت که نتواند پلوتونیوم مناسب برای سلاح تولید کند.
۵. نظارت‌های شدید آژانس انرژی اتمی: پذیرش «پروتکل الحاقی» برای دسترسی بیشتر بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای ایران.

➔ «تعهدات طرف مقابل، یعنی ۵+۱»

این‌قدر جماعت ظریف تشنه مذاکره با غرب بودند که حتی حق وتویی برای چین و روسیه نگذاشتند تا اگر بقیه زیر مذاکره زدند و بی‌دلیل ما را متهم کردند، چین و روسیه بتوانند دست‌کم یک و تو انجام دهند.



در مقابل این محدودیت‌ها، کشورهای ۵+۱ متعهد شدند:

- تحریم‌های اقتصادی، مالی و نفتی مرتبط با هسته‌های را تعلیق کنند.
- دارایی‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شود.
- ایران بتواند به سیستم مالی جهانی، یعنی سوئیفت، بازگردد.
- اجازه فروش آزاد نفت و تجارت بین‌المللی داده شود.

➔ روز پایان (Termination Day):

ده سال پس از تصویب برجام، یعنی در سال ۱۴۰۴، همه تحریم‌های سازمان ملل پایان می‌یافت.

تاریخ امضا: ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۳ تیر ۱۳۹۴)

محل امضا: وین، اتریش

قرارداد که شروع شد، ایران دانه‌دانه به تعهداتش عمل کرد. شروع کرد به اینکه آن کیسه‌های سیمان بی‌زبان را با ماسه قاطی کند و آبی هم رویش بریزد و در راکتورهای هسته‌ای بریزد؛ هی واویلا... اما در مقابل، غرب به تعهدات خودش به‌خوبی عمل نکرد و آمریکا هم در اردیبهشت ۹۷ از برجام خارج شد و دونالد ترامپ خیلی راحت برجام را پاره کرد.

➔ خروج آمریکا از برجام

زمان: اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ May, ۲۰۱۸)

رئیس‌جمهور: دونالد ترامپ

دلیل اعلامی: ناکافی بودن برجام برای محدود کردن برنامه موشکی و منطقه‌ای ایران

آمریکا تحریم‌ها را بازگرداند؛ همان سیاست «فشار حداکثری».

به همین راحتی زیر قرارداد زد و علاوه بر تحریم‌های قبلی، تحریم‌های اضافه‌ای هم اعمال کرد و فشارها بیشتر شد.

➔ واکنش ایران پس از خروج آمریکا

ایران ابتدا یک سال صبر کرد؛ همان «صبر استراتژیک».

سپس از اردیبهشت ۱۳۹۸ به تدریج برخی از تعهدات خود را کاهش داد:

- افزایش سطح غنی‌سازی، بیش از ۳/۶۷ درصد

- افزایش ذخایر اورانیوم

- استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته

- کاهش همکاری با آژانس در برخی بخش‌ها

در این بین، دکتر ظریف می‌گفت امضای کری خودش سند است و اطمینان کامل داشت؛ جوری که خود آمریکایی‌ها هم آن قدر به کری اعتماد نداشتند. البته کسی که سال‌ها در آمریکا و در دانشگاه دنور درس خوانده، طبیعتاً با روش خودشان تربیت می‌شود و به راه آن‌ها عمل می‌کند.

حالا جوری حرف می‌زنند انگار ایران از برجام خارج شده و جوری طلبکارانه رفتار می‌کنند که گویی ما تعهدات را به هم زده‌ایم. مدت‌ها در مقابل این حرکت آمریکایی‌ها هیچ واکنشی از طرف ایران انجام نگرفت. بعد از گذشت مدتی، با اعلام و با توجه، برخی از تعهدات کنار گذاشته شد؛ برخی، نه همه. آن‌ها به تعهدشان عمل نکردند. کشورهای اروپایی همراه با آمریکا هم همین‌طور؛ آن‌ها هم از لحاظ عهدشکنی و بداخلاقی کمتر از آمریکا نیستند. آن‌ها هم مثل آمریکا هستند، لکن در مقام زبان‌بازی و طلبکاری ظاهر می‌شوند؛ همیشه طلبکارند. گویا این ما بودیم که مدت‌ها مذاکره را به مسخره گرفتیم و تعهداتمان را زیر پا گذاشتیم و عمل نکردیم؛ در حالی که این کار را آن‌ها کردند. و دولت کنونی آمریکا هم هیچ فرقی با دولت قبلی ندارد؛ یعنی همین چیزی که الان این‌ها در زمینه مسائل هسته‌ای از ایران مطالبه می‌کنند، همان چیزی است که ترامپ مطالبه می‌کرد؛ همان چیزی که آن روز مسئولان بالای دولتی می‌گفتند امکان ندارد، عاقلانه نیست و مانند این‌ها. امروز این‌ها همان را می‌خواهند؛ هیچ تفاوتی نکرده است. او با یک





زبان می‌گفت، این‌ها با زبانی دیگر می‌گویند. باید به این‌ها توجه کرد. (۱۴۰۰/۰۶/۰۶) جای خنده‌دار قضیه اینجاست که یکی مثل آقای مرعشی می‌آمد می‌گفت اگر ترامپ و حسن آقا با هم دست بدهند و سلام و علیک کنند، تمام مشکلات ما حل می‌شود. ببینید سطح تفکر چقدر پایین است که هنوز روباه‌های سیاسی آمریکایی و اروپایی را نشناخته‌اند و هنوز هم نمی‌شناسند.

← مکانیسم ماشه (Snapback)

یکی از مفاد قرارداد این بود که هر عضو می‌تواند در صورت ادعای نقض تعهدات، تحریم‌های سازمان ملل را دوباره فعال کند؛ به همین راحتی، به همین سادگی. یعنی قراردادی به این ضعف که طرف هر وقت دلش خواست، می‌توانست همه تحریم‌ها را برگرداند و هیچ‌گونه حق و تویی هم برای خودمان نگذاشته بودیم. در این بین، ظریف می‌گفت نه اسم «ماشه» و نه اسم «اسنپ‌بک» در معاهده برجام نیامده است؛ اما دیدیم که با همین سازوکار دوباره خرخره ایران را گرفتند.



← موضع رهبر شهید انقلاب در این چند سال: «تعامل با دنیا هیچ ایرادی ندارد.»

رهبر شهید انقلاب در ۳۰ تیرماه ۱۳۹۲ و در حضور مسئولان نظام فرمودند: «تعامل با دنیا هیچ ایرادی ندارد. ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم، منتها در تعامل، طرف مقابل را باید شناخت، شگردهای او را باید دانست، هدف‌های اساسی و کلان را باید

در نظر داشت. ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد و بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید و او هم مانع کار شما نشود؛ والا اگر توافق و تفاهم به این معنا بود که او بگوید شما باید از این راه برگردید و شما هم بگویید خیلی خوب، این خسارت است. توجه به این جهات باید از سوی مسئولان و دولتمردان وجود داشته باشد.»

رهبر شهید انقلاب اسلامی در ۱۲ آبان ۱۳۹۲ و در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، با حمایت از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، فرمودند: «هیچ‌کس نباید این مجموعه مذاکره‌کنندگان ما را سازشکار بداند؛ این غلط است. این‌ها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، این‌ها بچه‌های خودمان هستند، بچه‌های انقلاب‌اند، یک مأموریتی را دارند انجام می‌دهند... این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر. بنده هم اول امسال در مشهد مقدس گفتم که مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد، منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره؛ لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند... یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران قرار خواهد گرفت.»

ایشان در ۲۰ فروردین ۱۳۹۴ نیز فرمودند: «امروز فقط موضوع مورد بحث و مورد مذاکره، مسائل هسته‌ای است. اگر طرف مقابل از کج‌تابی‌های معمولی خودش دست برداشت، این تجربه‌ای برای ما می‌شود که می‌شود در موضوعات دیگر هم با این‌ها مذاکره کرد؛ اما اگر دیدیم نه، این کج‌تابی‌هایی که همیشه از این‌ها دیده‌ایم باز هم وجود دارد، خب طبعاً تجربه گذشته ما تقویت خواهد شد.»

رهبر شهید انقلاب در ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ نیز درباره نکات مثبت و منفی برجام فرمودند: «محسنات برجام همان چیزهایی است که ما را وادار کرد و ترغیب کرد که به این مذاکرات رو بیاوریم... معایب چیست؟ معایب همان چیزی است که همیشه از آن بیمناک بودیم و تکرار می‌کردیم؛ می‌گفتیم این‌ها بدعهدند، بدذات‌اند، زیر قولشان می‌زنند، عمل نمی‌کنند... خلل و فرجی در برجام وجود دارد که این معایب می‌توانند خودشان را نشان بدهند.»

رهبر شهید انقلاب در ۱۹ دی ۱۳۹۹ فرمودند: «ما هیچ‌اصراری نداریم، هیچ عجله‌ای نداریم که آمریکا به برجام برگردد. آنچه مطالبه منطقی و عقلانی ماست، رفع تحریم‌هاست... اگر تحریم‌ها برداشته شد، برگشت آمریکا به برجام معنایی خواهد داشت... اما اگر تحریم‌ها برداشته نشد، برگشت آمریکا به برجام ممکن است حتی به ضرر ما تمام بشود.»

همان‌گونه که دیدیم، رهبر شهید انقلاب همواره از اصل مذاکره در چارچوب مشخص حمایت کردند، اما



در عین حال بارها هشدار دادند که این‌ها بدعهدند، بدذات‌اند، زیر قولشان می‌زنند و عمل نمی‌کنند و تصمیم را نیز در دست دولت وقت گذاشتند.

➔ تجارب برجام از منظر رهبر شهید انقلاب

✓ برخی از دیپلمات‌های ما در این قضیه خوب ظاهر شدند، اما آمریکایی‌ها بر سر موضع عناد آمیز خودشان محکم ایستادند و یک قدم جلو نیامدند. روی کاغذ یا در مقام وعده می‌گویند تحریم‌ها را برمی‌داریم، اما برنداشتند و بر نمی‌دارند. شرط می‌گذارند و بعد آن را بهانه‌ای برای مداخلات بعدی قرار می‌دهند؛ درباره تمدید برجام، درباره موشک، درباره منطقه و... .

✓ عجله در بعضی موارد، خطر و ضررش از فرصت‌سوزی بیشتر است؛ چنان‌که ما در قضیه برجام عجله کردیم. همه کارهای آن‌ها روی کاغذ بود، کارهای ما روی زمین بود. ما کارهای خودمان را انجام دادیم، آن‌ها تعهداتشان را انجام ندادند. ما به کار این‌ها اعتماد نداریم؛ تعهد این‌ها برای ما ارزشی ندارد. (۰۱/۰۱/۱۴۰۰)

✓ این چهار کشور، یعنی سه کشور اروپایی و آمریکا، در حرف‌هایی که می‌زنند ادبیاتی مستکبرانه، طلبکارانه و غیرمنصفانه دارند. مرتب درباره تعهدات برجامی ایران حرف می‌زنند که چرا بعضی از آن‌ها را لغو کردید، اما به روی خودشان نمی‌آورند که خودشان از روز اول به تعهداتشان عمل نکردند. (۰۴/۱۲/۱۳۹۹)

✓ با این دولت، با این رژیم زورگوی متقلب، چرا باید مذاکره کرد؟ برجام نمونه واضح این مسئله است... ما باید وقتی مذاکره کنیم که فشار و هوچیگری او نتواند در ما تأثیر بگذارد؛ به‌خاطر اقتداری که داریم. وگرنه این مذاکره قطعاً به ضرر ما تمام خواهد شد. (۲۲/۰۵/۱۳۹۷)

✓ تجربه اول این است که دولت جمهوری اسلامی نمی‌تواند با آمریکا تعامل کند؛ چرا؟ چون آمریکا پابند به تعهدات خودش نیست.

✓ تجربه دوم، عمق دشمنی آمریکا با ایران و جمهوری اسلامی است.

✓ تجربه سوم، این است که انعطاف در برابر این دشمن، تیغ دشمنی او را کند نمی‌کند، بلکه او را گستاخ‌تر می‌کند.

✓ تجربه مهم دیگر، همراهی اروپا با آمریکا است.

✓ و تجربه مهم‌تر اینکه گره زدن حل مسائل کشور به برجام و امثال آن، یک خطای بزرگ است. نباید مسائل اقتصادی و کلان کشور را به امری گره زد که از اختیار ما خارج است و بیرون از کشور برایش تصمیم‌گیری می‌شود. (۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

رهبر شهید انقلاب در بهمن ۱۴۰۳ نیز فرمودند: تجربه برجام می‌گوید مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. دولت وقت رفت و مذاکره کرد؛ نشست و برخاست، گفت‌وگو، لبخند، دست دادن و رفاقت؛ همه این کارها انجام شد. معاهده‌ای شکل گرفت که در آن طرف ایرانی امتیازهای زیادی داد، اما همان معاهده را آمریکایی‌ها عمل نکردند و همان شخصی که امروز هم در قدرت است، آن را نقض و پاره کرد. با چنین دولتی نباید مذاکره کرد؛ مذاکره عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست.

اما باز هم ما در دولت دکتر پزشکیان شروع به مذاکره غیرمستقیم با خود آمریکا کردیم؛ ولی باز آمریکا از مذاکره به‌عنوان فریب استفاده کرد و در میانه مذاکره، به‌واسطه اسرائیل به ما حمله کرد و...

در نهایت رفتیم در سال ۹۴ قراردادی بستیم به نام برجام؛ تحریم‌ها رفع نشد، تجارت وعده‌داده‌شده شکل نگرفت، فرصت‌ها از دست رفت، راه‌های دور زدن تحریم‌ها هم برای دشمن روشن‌تر شد، برخی

زیرساخت‌های اتمی را هم خودمان از بین بردیم، اجازه ندادند زیرساخت جدید برای تولید برق و مانند آن ساخته شود، بعد از چند سال هم فشارها ادامه یافت و حالا مکانیسم ماشه هم اجرا شد. خودمان رفتیم و در راکتورها بتن ریختیم؛ ۱۱ تن، ۱۱ تن، ۱۱ تن اورانیوم را دادیم رفت؛ و هیچ دستاورد متناسبی هم نگرفتیم.





حالا هم دشمن تلاش می‌کند همان ذخایر باقی‌مانده را هم از ما بگیرد.

بابا، ما وسط مذاکره با آمریکا، توسط اسرائیل و خود آمریکا مورد تهاجم قرار گرفتیم؛ وسط مذاکره!

اما مسئله فقط ۱۱ تن اورانیوم یا این جزئیات نیست؛ بحث، آن تفکری است که این روند را به وجود آورد. بحث

این است که چنین اشتباهی تکرار نشود. بحث این است که چه نوع نگرشی باعث شد این مسیر شکل بگیرد.

بحث این است که چرا به غرب، یا اساساً به هر کشوری، این‌گونه اعتماد می‌کنند. بحث شناخت همین افراد

همیشه طلبکار است؛ بحث این است که این تجربه‌ها دوباره تکرار نشود.

و قرارداد ننگین برجام تمام شد.

اما امیدواریم این تجربه‌ای برای مردم ایران باشد تا به تفکرات غرب‌زده اعتماد نکنند. غربی‌ها ۱۰ سال ایران را

معطل کردند و فرصت‌ها را از ما گرفتند.

به نظر من، مذاکره با آمریکا فقط کشور را در وضعیت ابهام قرار می‌دهد؛ چرا؟

چون آن‌ها نمی‌خواهند معامله کنند؛ آن‌ها نوکر می‌خواهند، نه شریک.

حالا که فکر می‌کنم، اگر همان رفیقم که در کلاس دوم راهنمایی زبان را تمام کرده بود جای ظریف می‌رفت، شاید

عملکرد بسیار بهتری داشت. نمی‌دانم ظریف مدرکش را چگونه گرفته بود، اما کسی که ۳۰ سال خارج از کشور و

در دانشگاهی مثل دنور درس خوانده، به هر حال محصول همان فضاست.

اسماعیل باقریان - پزشکی ۹۸





نوشتن درباره شخصیتی که مظهر ایمان، ایستادگی و ایثار بوده، نیازمند واژه‌هایی است که از عمق دل برخیزند و حق عظمت او را تا حدی ادا کنند. «رهبر شهید» برای بسیاری می‌تواند یادآور چهره‌هایی باشد که در تاریخ معاصر، با خون، بصیرت و مجاهدت، مسیر مقاومت را روشن کرده‌اند.

«ای ایستاده در برابر طوفان، ای که خونت، نقشه‌ی راه ما شد...»

در روزگاری که سایه‌ی سنگین تردید بر دل‌ها چیره شده بود و تاریکی فریب، چشم‌ها را بر حقیقت می‌بست، او چون سپری استوار، میان حق و باطل ایستاد. او نه تنها یک رهبر، بلکه نماد ایستادگی بود؛ انسانی که نه با وعده‌های توخالی، بلکه با ایمان عمیق، مجاهدت خستگی‌ناپذیر و صلابت در مسیر حق، راه رستگاری را ترسیم کرد.

خون او تنها مایه‌ی سوگ نیست؛ بلکه جوهر تاریخ است که بر صفحات مقاومت نقش بسته است. هر قطره از آن، فریادی علیه ظلم و پیامی برای نسل‌هایی است که در جست‌وجوی آزادی،

عزت و حقیقت‌اند. او رفت تا ما بیدار شویم؛ رفت تا بدانیم شکوه واقعی در تسلیم شدن نیست، بلکه در ایستادگی بر سر حق است، حتی اگر به قیمت جان تمام شود.

اکنون که او در جاودانگی آرام گرفته است، ما نه با اندوهی خاموش، بلکه با عزم و اراده‌ای استوار، میراثش را بر دوش می‌کشیم. یاد او شعله‌ای است که در باد تزویر خاموش نخواهد شد، زیرا ریشه در ایمان، آگاهی و حقیقت دارد.

رهبری امام شهید، ترکیبی از ایمان مذهبی استوار، دانش سیاسی، اراده پولادین، شجاعت بی‌باک و خدمت‌گذاری مخلصانه بود. هدف او قدرت‌طلبی نبود، بلکه گشودن مسیر تاریخ به سوی عدالت، عزت و حق بود. در ادامه، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان را مرور می‌کنیم:

۱. فقیه زمان‌شناس و عارف ربانی

امام شهید، فقیهی زمان‌شناس و بصیر بود؛ مجاهدی خستگی‌ناپذیر، استوار چون کوه، عالمی عامل و ربانی که اهل ذکر، تهجد، تضرع و توسل به ذوات مقدسه‌ی معصومین علیهم‌السلام بود و از عمق جان، به وعده‌های الهی ایمان داشت.

۲. بصیرت سیاسی و استراتژیک

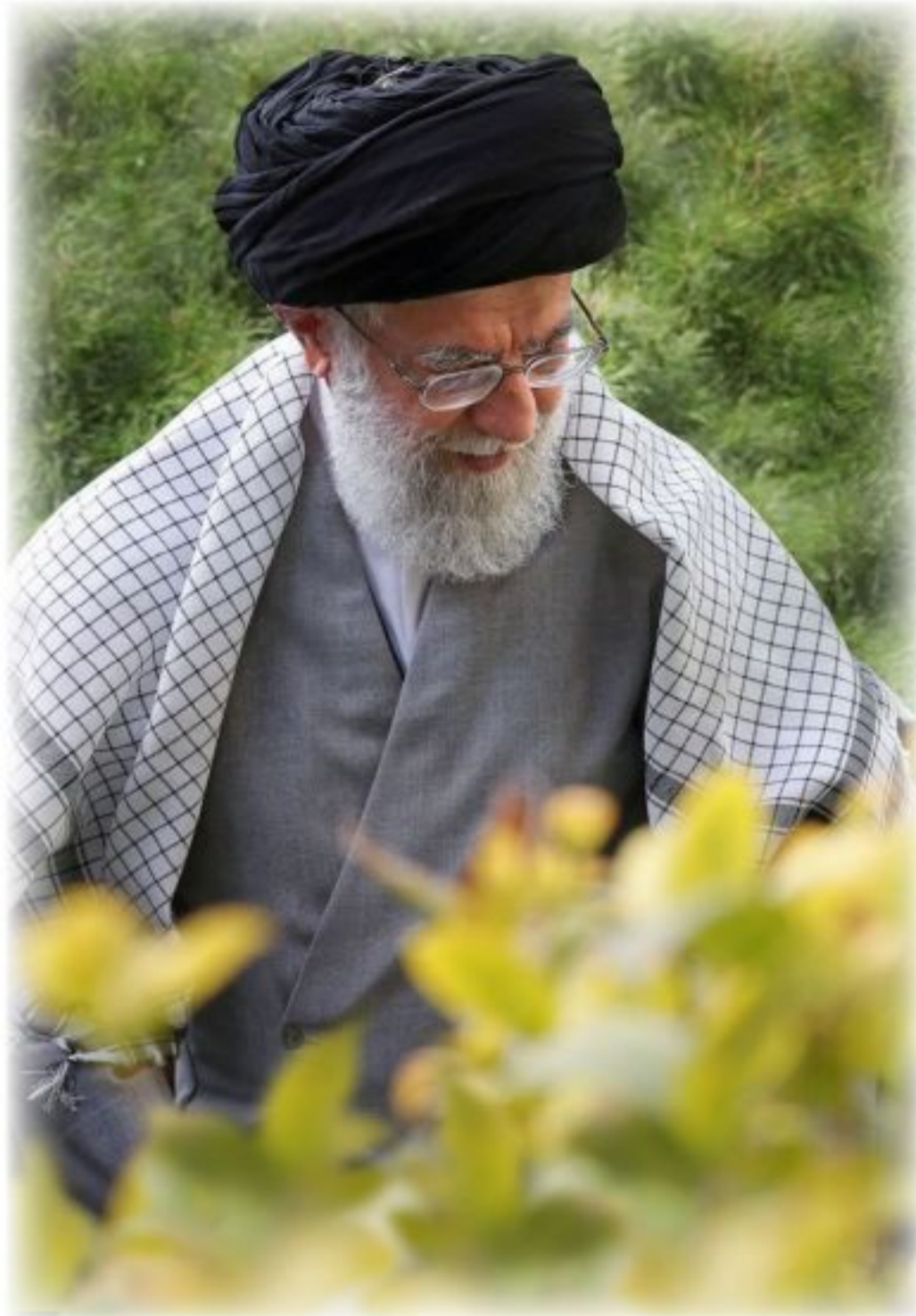
یکی از بارزترین ویژگی‌های ایشان، توانایی در تحلیل دقیق معادلات پیچیده‌ی داخلی و بین‌المللی بود. امام شهید همواره بر ضرورت پیش‌بینی آینده و آمادگی برای سناریوهای مختلف تأکید داشتند. این بصیرت باعث می‌شد در تصمیم‌گیری‌های بزرگ، نگاهی بلندمدت و فراتر از بحران‌های لحظه‌ای داشته باشند.

۳. صلابت و ایستادگی در مسیر مقاومت

رهبری ایشان با مفهوم مقاومت گره خورده بود. در مواجهه با فشارها، تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی، ویژگی «صلابت در عین آرامش» در ایشان آشکار بود. امام شهید بر این باور بودند که عقب‌نشینی در برابر فشارها راه‌گشا نیست، بلکه حفظ عزت و استقلال ملی، تنها مسیر حرکت رو به جلوست.

۴. ساده‌زیستی و نزدیکی به مردم

با وجود جایگاه بسیار بالا، سبک زندگی ایشان همواره بر پایه‌ی سادگی و دوری از تجملات بود. همین ویژگی، پیوندی عاطفی و عمیق میان ایشان و مردم ایجاد کرده بود. ایشان از طریق پیام‌ها و دیدارهای خود، همواره می‌کوشیدند دردها و نیازهای اقشار مختلف جامعه را درک کنند.



۵. مدیریت بحران و تاب‌آوری
در دوران‌های حساس تاریخی - مانند جنگ، بازسازی، یا بحران‌های اقتصادی و سیاسی - امام شهید بر تقویت تاب‌آوری جامعه تأکید داشتند. نگاه ایشان این بود که جامعه نباید در برابر تکانه‌های خارجی فرو بپاشد، بلکه باید از هر بحران، درس بگیرد و خود را قوی‌تر سازد.

۶. مربی‌گری و تربیت نسل
امام شهید تنها یک مدیر نبودند، بلکه نقش یک مربی و معلم فکری را نیز ایفا می‌کردند. تأکید مستمر ایشان بر تربیت نسل جوان، تقویت علم و افزایش ایمان، نشان می‌دهد که رهبری را نه فقط اداری امور امروز، بلکه ساختن آینده از طریق ساختن انسان‌ها می‌دانستند.

۷. وحدت‌گرا و انسجام‌بخش
ایشان همواره در میان طیف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، بر نقاط مشترک تأکید می‌کردند. هدف اصلی امام شهید، حفظ انسجام ملی و جلوگیری از شکاف‌های عمیق داخلی در برابر دشمنان بود.

۸. تکیه بر دانش و تخصص
در تصمیم‌گیری‌ها، همواره بر ضرورت مشورت با متخصصان در حوزه‌های علمی، نظامی و اقتصادی تأکید داشتند. این ویژگی نشان‌دهنده نگاه واقع‌گرایانه و علمی ایشان در مدیریت امور کشور بود.

از مهم‌ترین توصیه‌های امام شهید به جوانان، پرهیزگاری، تقوا، مطالعه و کتاب‌خوانی بود. ایشان جوانان را به پیشرفت علمی دعوت می‌کردند؛ به گونه‌ای که روزی مردم جهان برای یاد گرفتن زبان فارسی و بهره‌گیری از علم و فرهنگ این سرزمین، مشتاق باشند.

رهبری امام شهید، جلوه‌ای از ایمان، بصیرت، شجاعت، ساده‌زیستی، مردم‌داری، وحدت‌آفرینی و تکیه بر دانش بود. او نه برای قدرت، بلکه برای حق زیست؛ نه برای نام، بلکه برای راه ماندگار شد. میراث او تنها در خاطره‌ها نیست، بلکه در مسیر بیداری، مقاومت و عزت نسل‌های آینده ادامه دارد.

حمیده پیوندی مطلق - پرستاری ۱۴۰۱



سهم خودتو ادا کن

با به اندازه خرید کردن و استفاده از کیسه پارچه ای

#جهاد_صرفه_جویی



سهم خودتو ادا کن

با کم کردن دور کولر

#جهاد_صرفه_جویی



سهم خودتو ادا کن

با بستن شیر آب موقع مسواک زدن

#جهاد_صرفه_جویی



سهم خودتو ادا کن

با خاموش کردن وسایل پر مصرف در ساعات اوج مصرف

#جهاد_صرفه_جویی



سهم خودتو ادا کن

با استفاده از سایبان برای کولر

#جهاد_صرفه_جویی



سهم خودتو ادا کن

با خاموش کردن لامپ های اضافی

#جهاد_صرفه_جویی



ملت قهرمان
امروز و تا این نقطه از حماسه دفاع مقدس سوم،
به جرات میتوان گفت که شما ملت قهرمان ایران،
پیروز قطعی این میدان بوده اید. ۱۴۰۵/۰۱/۲۰